

اقتصاد سیاسی

# اقتصاد تحریم نفت

جدال بر سر تجربه مصدق

پاتریک کلاسن | سیروس ساسان پور | کامران دادخواه | محمدقلی مجد | حاج محمد نمازی  
گردآوری و ترجمه بهرنگ رجبی

درآمد	۹
یادداشت‌ها	۱۲
۱	
سیاست‌های تطبیقی در برابر شوک ارزی ایران، ۱۳۳۲ - ۱۳۳۰	۱۳
مقدمه	۱۳
سیاست‌های تطبیقی در عرصه خارجی	۱۷
سیاست‌های تطبیقی در عرصه داخلی	۳۱
درس‌هایی از تجربه ایران	۴۰
پیوست ۱: برآورد توابع تقاضای واردات و عرضه صادرات	۴۳
پیوست ۲: نظام ارزی	۴۷
یادداشت‌ها	۴۹
۲	
جنبش ملی کردن نفت، تحریم بریتانیا و اقتصاد ایران، ۱۳۳۲ - ۱۳۳۰	۵۳
۱. مقدمه	۵۳
۲. درآمد نفت و اقتصاد ایران	۵۵
۳. تراز تجاری، کاهش ارزش پول و کمک خارجی	۶۱
۴. کسری بودجه و تامین مالی آن	۶۷
۵. سیاست پولی و تورم	۷۰
۶. سرمایه‌گذاری و رشد	۷۵
۷. اشاراتی پایانی	۷۹
یادداشت‌ها	۸۲



۳	
منازعه بر سر ملی کردن صنعت نفت در فاصله سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ و اقتصاد ایران: مداخله‌ای در بحث	۸۷
یادداشت‌ها	۱۰۲

۴	
سیاست اقتصادی ایران در دوران مصدق	۱۰۵
رهبران جبهه ملی و مسئله نفت	۱۰۶
گزارش نمازی	۱۰۸
دکتر مصدق، آمریکایی‌ها و امکان رسیدن به توافق در مذاکرات	۱۱۲
دفاع دکتر مصدق از سیاست‌های اقتصادی‌اش	۱۱۵
ارزیابی	۱۱۹
بازی نهایی	۱۲۴
یادداشت‌ها	۱۲۶
پیوست: نامه حاج محمد نمازی به حسین علا	۱۲۹

## سیاست‌های تطبیقی در برابر شوک ارزی: ایران، ۱۳۳۲-۱۳۳۰<sup>۱</sup>

پاتریک کلاسن و سیروس ساسان‌پور

### مقدمه

معدودی کشورهای تولیدکننده نفت و در حقیقت معدودی کشورهای تولیدکننده مواد خام اولیه، تجربه‌ای به‌سان ایران حدفاصل سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ در کاهش ناگهانی و شدید درآمدهای ارزی از سر گذرانده‌اند، تجربه‌ای متعاقب ملی کردن صنعت نفت و پی‌آمدش تحریم بین‌المللی نفت ایران. با اینکه نوشته‌ها درباره ایران این دوره بسیار و مفصل است، اما عمده توجه‌ها معطوف به دلالت‌ها و عواقب سیاسی این ملی کردن بوده و خیلی به تعدیل اقتصادی کاهش درآمد ارزی پرداخته نشده است. بحث مقاله حاضر این است که این تجربه ایران مطالع موردی آموزنده‌ای از توان کشورهای در معرض شوک‌های خارجی برای تعدیل و سازگاری با واقعیت‌های تازه حاکم به‌دست می‌دهد؛ البته باید پذیرفت این مطالعه موردی مبالغه‌آمیز هم هست. ایران تحت رهبری دکتر محمد مصدق، نخست‌وزیر مردمی، منافع و عواید

۱- این‌جا واژه انگلیسی adjust را «تطبیق» ترجمه کرده‌ام. مترجمانی دیگر معادل «تعدیل» را هم پیشنهاد داده‌اند.

شرکت نفت ایران و انگلیس را ملی کرد و از روز ۱۰ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۰ هم قانون ناظر بر این ملی‌کردن را به اجرا درآورد و اعلام کرد آماده آغاز مذاکره با شرکت نفت ایران و انگلیس در مورد پرداخت تاوان و خسارت بر اساس قوانین جاری بین‌المللی است. به‌رغم انجام مذاکرات، به‌دلیل اختلافات بنیانی میان طرف‌های بحث، هیچ توافقی حاصل نیامد. دولت بریتانیا تحریم گسترده‌ای در قبال واردات نفت از ایران اعمال و دیگر کشورهای را هم که نفت از ایران می‌خریدند، به اقداماتی قانونی تهدید کرد. نیروی دریایی بریتانیا، در تهدیدی ضمنی مبنی بر اینکه مانع از انتقال نفت خواهد شد، در جوار بنادر ایران کشتی‌هایی مستقر کرد. [۱] به علاوه، خزانه‌داری بریتانیا هم محدودیت‌هایی برای ایران در استفاده از پوند استرلینگ وضع کرد. برای ایران گرفتاری‌ای جدی بود، چون عمده معاملات نفتی‌اش به استرلینگ انجام می‌شد. این اقدامات تاثیری چشمگیر روی صادرات نفت ایران داشت. در واقع، ایران طی دو سال و نیم بعد، فقط توانست کمی بیشتر از صد هزار تن نفت خام و محصولات نفتی صادر کند، رقمی کمابیش برابر صادرات یک روز در دوره پیش از ملی‌کردن. [۲] اسناد و ارقامی که این‌جا ارائه شده، نشان می‌دهند وضعیت مالی دولت، در مقایسه با کاهش شدید درآمدهای ارزی که اقتصاد ناگزیر به سازگاری با آن بود، از این تحریم‌ها تاثیر بسیار کمی پذیرفت؛ چون درآمدهای نفتی سهم بسیار کوچکی از درآمد دولت را شامل می‌شد.

کشورهایی مثل ایران سال ۱۳۳۰ که درآمدهای ارزی‌شان وابسته به صادرات یک منبع طبیعی است، در برابر کاهش ناگهانی درآمدهای حاصل از صادرات بسیار آسیب‌پذیرند. ممکن است دولت در واکنش به چنین کاهشی در درآمدهای ارزی، انجام اقدامات اصلاحی و جبرانی را به تاخیر بیندازد، به این امید که کسری درآمدش موقتی خواهد بود و می‌شود بی‌دشواری چندان آن را تاب آورد و از سر گذرانند. متأسفانه مدت زمان و حجم گرفتاری‌های ارزی را نمی‌توان با محاسبه به‌طور دقیق تشخیص داد و ممکن است سیاست‌های اقتصادی منطبق با این فرض که مشکلات خیلی زود رفع خواهند شد، در

صورت ادامه شرایط نامطلوب، مشخصاً خود اقتصاد را آسیب‌پذیر کنند. اگر زیان ارزی تداوم یابد و اقدامات تطبیقی مناسب هم اعمال نشوند، گرفتاری‌ها می‌توانند ابعاد بحرانی بیابند و قطعات یدکی و دیگر اقلام وارداتی که موجود نباشند، تولید به‌شدت پایین بیاید. به علاوه، اگر در نتیجه کاهش درآمدهای حاصل از صادرات، درآمد دولت هم دستخوش تغییر شود، فقدان سیاست‌های تطبیقی، موجب کسری عظیم بودجه خواهد شد که عمدتاً فقط می‌شود با وام‌هایی بالا از نظام بانکی کشور آن را تامین کرد و این هم معمولاً به افزایش نرخ تورم می‌انجامد که اثراتی جدی روی نرخ رشد اقتصادی خواهد داشت. بدیل این رویکرد انفعالی در قبال زیان ارزی، در پیش گرفتن سیاست‌های تطبیقی است؛ سیاست‌هایی که مستلزم توسعه دیگر قابلیت‌ها و امکانات برای صادرات و منسجم و منطقی کردن حجم واردات، در کنار کاهش هزینه‌ها و افزایش پایه درآمدی در عرصه داخلی هستند. اگر این اقدامات اصلاحی و جبرانی موفق از آب دربیایند، اقتصاد به‌رغم تداوم شرایط نامطلوب خارجی به رشد بدون تورم خودش ادامه خواهد داد.

با اینکه در ایران توقف روند صادرات نفت متعاقب ملی‌کردن آن را می‌شد پدیده‌ای موقت ارزیابی کرد، اما این تحقیق نشان می‌دهد دولت روند سیاست‌های تطبیقی‌اش را شروع کرد. یافته اصلی تحقیق این است که در مقطع سال ۱۳۳۲، اگر سیاست‌ها و شرایط حاکم (از جمله تحریم نفت) تا زمانی نامعلوم هم ادامه می‌یافت، اقتصاد ایران می‌توانست در غیاب درآمد نفت و بی‌اقدامات ریاضتی بیشتر، بر همان مدارای که می‌رفت سرپا بماند و دوام بیاورد. به بیان دیگر، عمده سیاست‌های تطبیقی اعمال‌شده برای مقابله با گرفتاری‌های ارزی موفق بودند چون این سیاست‌ها تا سال ۱۳۳۲ در تعادل با هزینه‌ها و حساب‌های مالی، وضعیتی قابل‌تحمل را حاصل دادند، بی‌آنکه به کاهش زیاده از حد و بی‌مورد میزان تولید منجر شوند. نشانه‌های موفقیت این سیاست‌های تطبیقی، وضعیت کمابیش مطلوب ذخایر ارزی و نرخ معتدل و معقول تورم و رشد اقتصادی در مقایسه با ارقام مشابه در دوره‌هایی بلافاصله